



عکس: محسن تورج

- پرونده ۸ جنایت**

به گزارش خبرنگار ما، تیر سال ۸۵ مأموران پلیس آگاهی شهرستان کازرون از قتل مردی به نام «ماشاء-الله» در بخش «کنار تخته» این شهر باخبر شدند. بلافاصله کارآگاهان همراه قاضی جنایی در محل حاضر شده و در نخستین بررسی ها دریافتند مقتول با شلیک گلوله از پا در آمده است. شواهد نیز حاکی از آن بود عامل جنایت با کمین در مسیر «ماشاء-الله» و با نقشه قبلی او را با کلاشینکف هدف قرار داده و پس از قتل گریخته است. بعد از تحقیقات مقدماتی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تیمی از کارآگاهان جنایی مسئول رسیدگی به این پرونده شدند. در حالی که هیچ ردی از عامل جنایت در دست نبود، مهر ۸۵، پلیس از جنایت مشابه دیگری مطلع شد. دومین قربانی «حسن» نام داشت که او نیز با شلیک کلاشینکف به قتل رسیده بود. کارآگاهان در حال بررسی رابطه این دو پرونده جنایی بودند که پسر جوانی هم به همین شیوه در شهرستان کازرون به ضرب گلوله کشته شد. «فرهاد» نیز اسفند ۸۵ سوار موتوسیکلت در حال رفتن به خانه بود که از سوی سرنشینان یک خودروی سواری به رگبار بسته شد. شاهدان ماجرا در تحقیقات به پلیس گفتند که عاملان جنایت دو پسر جوان بودند که پس از شلیک به «فرهاد» از محل گریختند. پس از قتل «فرهاد» به‌طور همزمان دو نفر به نام‌های «شهاب» و «داود» که با هم فامیل بودند، آذر ۸۶ ناپدید شدند. چند روز بعد هم اخباری در منطقه پخش شد مبنی بر این‌که آن دو با شلیک گلوله از سوی اشرار منطقه به قتل رسیده‌اند. پس از این ماجرا و در اردیبهشت سال ۸۷ مردی به نام «رضا» با شلیک گلوله در همین منطقه به قتل رسید که بررسی های پلیسی نشان می داد او هم از سوی قاتل تیرانداز کشته شده است. در حالی که پلیس به رابطه قتل‌ها پی برده بود، شهرپورا امسال مأموران پاسگاه «کنار تخته» از جنایت مشابه دیگری مطلع شدند. آنها پس از حضور در محل تیراندازی دریافتند سه مرد جوان با شلیک‌های پی درپی گلوله نقش زمین شده‌اند. تحقیقات هم نشان می داد دقایقی

پرونده قتل های خاموش شهرستان کازرون از بن بست خارج شد

۸ جنایت به خونخواهی پدر

گروه حوادث – پسر جوانی که ۲۵ سال قبل، پدرش را در جریان جدال خونین طایفه‌ای از دست داده و سال‌ها با اندیشه انتقام زندگی کرده بود، با هشت جنایت، تراژدی غم‌انگیزی رقم زد. مرتضی کودک بود که در سال ۶۲ پدرش ماشاء‌الله در جریان نزاعی طایفه‌ای در بخش کنار تخته شهرستان کازرون کشته شد.

قبل از حادثه دو مرد نقابدار ناشناس که اسلحه کلاشینکف در دست داشتند، سوار بر خودروی پراید بدون پلاک مقابل سوپرمارکت توقف کردند. یکی از مردان مسلح به محض ورود به مغازه بلافاصله تیراندازی کرد. در این جنایت هولناک مرد جوانی به نام «شریف» با شلیک ۱۵ گلوله کشته شد و دو تن دیگر نیز بشدت زخمی شدند.

هنگام تحقیق درباره این پرونده هویت «سردار» – معروف به مرتضی – به عنوان عامل جنایت شناسایی شد و با دستور سرهنگ محمد محمدی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس تیمی از کارآگاهان پلیس برای دستگیری او وارد عمل شدند. بدین ترتیب محل‌های تردد «مرتضی» از سوی پلیس شناسایی و به صورت نامحسوس تحت نظر گرفته شد. در حالی که متهم در این مدت مخفی شده بود، مهر امسال آخرین جنایتش را رقم زد.

- جنایت در سوپرمارکت**

چهاردهم مهر مأموران کلاتری «کنار تخته» از توابع شهرستان کازرون در جریان تیراندازی در یکی از خیابان‌های شهر قرار گرفته و بلافاصله خود را به محل حادثه رساندند. آنها پس از مشاهده جسد غرق در خون «هاشم» – ۵۷ ساله – که با شلیک گلوله در سوپرمارکتش به قتل رسیده بود، موضوع را با قاضی کشتکار بازپرس کشیک ویژه قتل در میان گذاشتند. نخستین بررسی‌های صحنه جرم نشان می داد مقتول از مدت‌ها قبل مغازه‌اش را اجاره داده و زمان حادثه نیز برای سرکشی به آنجا آمده بود که ناگهان از سوی سرنشین یک دستگاه پراید که

اسلحه کلاشینکف در دست داشت، به رگبار گلوله بسته شد. در ادامه تحقیقات مشخص شد قربانی جنایت از معتمدان و افراد سرشناس محل بوده و یا هیچ فردی اختلاف نداشته است. این در حالی بود که کارآگاهان در تحقیق از شاهدان دریافتند عامل این جنایت هم «مرتضی» بوده است. سرانجام کارآگاهان باردیابی‌های ویژه پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه مرد جنایتکار در استان همدان شدند. بلافاصله نیز تیمی از کارآگاهان راهی همدان شده و روز چهارشنبه – ششم آبان – پسر جنایتکار را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه او نیز سه قبضه کلاشینکف و یک کلت کشف شد. مرتضی در جریان بازجویی‌ها به ارتکاب ۸ جنایت و سرقت مسلحانه از یک طلا فروشی اعتراف کرد.

- پشیمان نیستم!**

مرتضی – عامل جنایت‌ها – که دیروز در جمع کارشناسان و خبرنگاران حضور داشت در حالی که لبخند به لب داشت گفت: «از کشتن عاملان قتل پدرم به هیچ عنوان پشیمان نیستم!» وی در ادامه گفت: بچه بودم که پدرم از سوی عده‌ای ربوده شد. چندی بعد هم به قتل رسید. اما تا کنون جنازه اش پیدا نشده است. خانواده‌ام طی سال‌های بعد، تلاش زیادی کردند تا با تشکیل پرونده قضایی از خون پدرم دفاع کنند اما بضاعت چندانی نداشتیم و نتوانستیم گفته‌های خود را اثبات کنیم. به همین خاطر در طول این سال‌ها فقط از خدا می‌خواستم به من قدرت دهد تا انتقام خون پدرم را بگیرم زیرا عامل تمام بدبختی‌های ما به کشته شدن پدرمان یازمی‌گشت. مرتضی ادامه داد: از کشتن هیچ یک از این افراد اصلا و در یک اتفاق با شلیک گلوله کشته‌شدم. پس از مرگش هم بسیار گریه کردم که چرا خون کسی را به ناحق ریخته‌ام! وی در ادامه از اتفاقاتی گفت که در طول این چند سال بر خود و خانواده‌اش گذشته بود. اگر پدر داشتم با رفتای بد معاشرت نمی کردم، برادرم معتاد نمی‌شد

سال‌ها گذشت و خانواده قربانی روزگارشان را سپری کردند. در این میان مرتضی – پنجمین فرزند خانواده – که سال‌ها فقط به انتقام از عاملان قتل پدرش می‌اندیشید، سرانجام هم جنایت‌های انتقام‌جویانه‌اش را از سال ۸۵ کلید زد.



اظهارات مدیرکل امنیتی استانداری

جابر مهدی یار، مدیر کل امنیتی – انتظامی استانداری فارس هم در این باره به خبرنگار ما گفت: «از چندی قبل به دنبال دریافت گزارش‌های اهالی محل در مورد وقوع قتل‌های مشابه در منطقه و گسترده‌تر شدن دامنه جنایت‌ها، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. در جریان بررسی‌ها مشخص گردید قتل‌ها و تیراندازی‌ها از سوی یک شبکه شرور به سرکردگی پسری به نام «مرتضی» صورت می‌گیرد. تحقیق درباره این شبکه نشان داد، انتقام‌جویی و مواد مخدر مهم‌ترین انگیزه مجرمان است.» بنابراین مأموران در عملیاتی گسترده با کشف سرنخ‌هایی شناسایی و دستگیری اعضای این شبکه را در دستور کار قرار دادند. در نخستین مرحله تعدادی از متهمان شناسایی و دستگیر شدند که با اعتراف‌های آنها اعضای اصلی نیز به دام افتادند. سرانجام با تحقیقات گسترده سر دسته این شبکه قتل، سرقت مسلحانه و اسکورت کاروان‌های مواد مخدر دستگیر شدند. «مرتضی» در بازجویی‌ها تا کنون به هشت قتل اعتراف کرده که تحقیقات در این باره ادامه دارد.

و می‌توانستیم به مدرسه برویم. اما افسوس که تا اول دبیرستان درس خواندم و دیگر نتوانستم ادامه دهم. یک روز کفش نداشتم، یک روز لباس نداشتم و روز دیگر لوازم تحصیل. از نظر مالی هم بسیار ضعیف بودیم. با این حال وقتی تصمیم به قتل و انتقام گرفتم از چهار سال قبل لب به مشروبات الکلی زرده و توبه کردم تا بتوانم به آرزویم یعنی انتقام خون پدرم برسم.» مرتضی از کشتن هیچ‌یک از قربانیانش به غیر از یک مورد احساس گناه ندارد. او می‌گوید: هفت نفری که کشته شدند برای جامعه مضر بودند.

- فرمانده انتظامی استان چه گفت؟**

سردار علی مؤیدی، فرمانده انتظامی استان فارس در این باره گفت: سال ۶۲ مردی به نام «ماشاء‌الله» – فرزند جمعه – که دارای ۷ پسر بود در منطقه «کنار تخته» ربوده شد و بعد هم به قتل رسید که این موضوع با رشد جسمی فرزندان وی، به خاطر‌های تلخ بر ذهن یکی از آنها تبدیل شد. مرتضی فرزند پنجم مقتول در سال ۸۴

شناسایی عوامل قتل پدرش و کسب اطلاعات لازم از دست‌اندرکاران این ماجرا، سعی کرد با اقدامات خودسرانه انتقام خون پدرش را بگیرد. سردار مؤیدی با بیان این‌که متأسفانه شکایت خانواده مقتول در سال ۸۲ به دلیل نفوذ گسترده عوامل قتل در منطقه به جایی نمی‌رسید خاطر نشان کرد: مرتضی که با فقر و بیچارگی بزرگ می‌شود، در سال ۸۵ با شناسایی مردی به نام «ماشاء-الله» – فرزند عبدالله» به عنوان قاتل پدرش، او را به قتل می‌رساند و از آنجا که احساس می‌کند قتل پدرش – با دستور فردی به نام «هاشم» که از ثروتمندان و افراد بانفوذ منطقه صورت گرفته، درصدد قتل او نیز بر می‌آید. فرمانده انتظامی فارس افزود: مرتضی به تصور این‌که عوامل «هاشم» – که قصد کشتنش را دارند به ترتیب «حسن» الف»، «شهاب» – ز» و «داود» ج» را به قتل می‌رساند که هنوز اجساد دو نفرشان کشف نشده است. سردار مؤیدی ادامه داد: یکی دیگر از قربانیان این حادثه فردی به نام «فرهاد» – ق» است که سال ۸۵ به قتل رسید، اما از تیاطی با این جریان نداشت. البته این فرد با اصرار یکی از دوستان مرتضی و به دلیل ایجاد مزاحمت برای نوامیس دوستش در کارزون و با شلیک گلوله به قتل رسید. فرمانده انتظامی فارس در تشریح قتل‌های دیگر نیز گفت: «شاه رضا – الف» از دوستان و همراهان هاشم و «شریف» ج» برادر هاشم نیز که ظاهراً در تلاش برای از بین بردن مرتضی بوده‌اند، توسط مرتضی به قتل می‌رسند. تا اینکه مهرماه ۸۸ «هاشم» – ک» نیز در فروشگاهی در شهر کنار تخته با شلیک‌های مرتضی از پا در می‌آید. به گفته این مقام انتظامی، سرقت مسلحانه از

یک طلا فروشی و یک خانه، حمل و نگهداری سلاح‌های جنگی، ترانزیت مواد مخدر، ایجاد رعب و وحشت و سرقت‌های متعدد از دیگر اتهامات مرتضی است. وی با بیان اینکه از عامل اصلی قتل چند قبضه سلاح جنگی و مقادیری مهمات کشف و ضبط شده، به تلاش‌های گسترده اطلاعاتی مأموران آگاهی برای کشف پرونده اشاره کرد و افزود: رسیدگی به این موضوع از سال ۸۸ در دستور کار پلیس جنایی قرار گرفت و پس از انجام فعالیت‌های دقیق و گسترده عملیاتی، ۳۰ نفر از عوامل این فرد در منطقه کنار تخته شناسایی شدند که در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه دستگیر شدند. وی اضافه کرد: با دستگیری همکاران وی، در فرصت مناسب مرتضی و برادرش نیز در استان همدان و یکی دیگر از برادران وی در شهر بوشهر دستگیر شدند. به گفته فرمانده انتظامی فارس هم اکنون امنیت پایدار در منطقه «کنار تخته» حاکم است و پلیس با اقتدار هرگونه رفتاری را رصد کرده و زیرنظر دارد. به گفته سردار مؤیدی، استان فارس از گذشته با معضلی به نام قتل روبه‌رو بوده است و شاید در بخشی از مناطق استان این جرم پررنگ تر است و فارس در این رابطه آمار قابل توجهی دارد. وی ادامه داد: تلاش‌های متعددی در سالیان اخیر برای کاهش این نوع جرم صورت گرفته اما یک مورد قتل هم غیرقابل تحمل است چرا که هرقتلی از نظر روحی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی با بیان اینکه همه دستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کنار نیروی انتظامی در پیشگیری از جرم مسئول هستند، اظهار کرد: این حادثه‌اما و اگر‌های فراوانی دارد اما کار بزرگی از نیروی انتظامی برای دستگیری عوامل و کشف پرونده صورت گرفته است. این مقام

انتظامی افزود: این امکان وجود داشت که از ۱۰ سال قبل کاری صورت می‌گرفت که این جنایت‌ها رخ نمی‌داد. وی با بیان اینکه هر لحظه احتمال بروز جرمی در خیابان وجود دارد که پلیس فکر آن را نمی‌کند، ابزار عقیده کرد: همه دستگاه‌های متولی باید بر این مسائل حساس شوند و به عنوان جامعه اسلامی نسبت به وضعیت انسان‌ها حساسیت به خرج دهیم. قطعاً همه می‌توانستیم با اقدامات پیشگیرانه مانع از بروز ناامنی در منطقه کنار تخته شویم و هیچ ادعایی هم نداریم که در فرآیند موضوع، باید از همه چیز مراقبت می‌کردیم. فرمانده انتظامی فارس از اصحاب رسانه خواست در کنار پوشش کامل تلاش‌های نیروی انتظامی در شناخت و دستگیری عوامل این حادثه، به بررسی علل و انگیزه‌های قاتل نیز در گفت‌وگو با کارشناسان بپردازند. وی افزود: هیچ ابایی از به چالش کشاندن پلیس و دستگاه‌های مختلف نداریم و مدیران مرتبط باید پاسخگوی بروز چنین مسائلی باشند.

- قاتل باهوش و ضد اجتماعی**

بهرام جوکار –استاد دانشگاه شیراز – که از نزدیک با پسر جنایتکار گفت‌وگو کرده در این باره گفت: هر رفتار اجتماعی را باید از دو منظر جامعه‌شناسی و روانشناختی بررسی کرد. در بعد جامعه‌شناسی به یک‌سری نهاد‌هایی برمی‌خوریم که شامل خانواده، مدرسه، اقتصاد، دولت، فرهنگ و دین است. وی با بیان این‌که نباید تاریخچه زندگی این شخص را فراموش کرد، افزود: در عصر جدید گفته می‌شود که باید احساس گناه در کودک ایجاد شود تا وجدان رشد کند و احساس گناه نیز یعنی این‌که چنانچه فردی کاری را مطابق معیارها انجام ندهد با عذاب وجدان روبه‌رو شود. مرتضی در جامعه‌ای زندگی کرده که معیار‌های آن این طور تداعی می‌کند که وی در انتقام جویی و قتل پدرش گناهی مرتکب نشده است. بدین معنی که خون پدرش براساس معیارهایی که در جامعه خود زندگی می‌کرده باید با خون قاتل پاک می‌شده و براساس گفته‌های خودش نیز سرانجام زمانی آرام گرفته که سال جاری طرح نقشه قتل پدرش را کشته است. جوکار با اشاره به این‌که مرتضی فردی باهوش است به طوری که در جنایت‌هایش، در برخی مواقع از پلیس نیز جلوتر بوده، افزود: مرتضی محصولی از لایه‌های درونی اجتماع است. بنابراین باید دید نهاد‌های موجود برای مرتضای پنج ساله که با خاطره قتل پدرش در زمان بچگی به سر می‌برده چه کرده‌اند. آیا نهادی مثل مدرسه مرتضی را شناسایی کرده و مشکلاتش را تحت رسیدگی قرار داده‌اند؟ یا ... چنگیز رحیمی استاد دیگر دانشگاه شیراز و عضو فعال اتاق فکر فرماندهی انتظامی استان فارس نیز در این باره گفت: مرتضی فردی باهوش اما باشخصیتی ضد اجتماعی است. چرا که در وجودش کوچکترین احساس گناهی وجود ندارد و در طول صحبت‌هایش نیز کاملاً خونسرد است و همواره محل اشکال را خارج از خود می‌داند. او معتقد است، مقتولان قاتلان پدرش بوده‌اند و افرادی فاسد نیز محسوب می‌شدند که با کشتن آنها جامعه از وجود چنین افراد مجرمی راحت شده است. حال آن‌که قاتل عضویت در باندهای ترانزیت مواد مخدر و سرقت‌های مسلحانه خود را به دلیل معاشرت با دوستان ناباب می‌داند، ضمن این‌که خود را عاری از اشکال می‌داند. به همین خاطر مرتضی خود را قاضی و مجری فرض کرده و حتی برای خود این حق را قائل شده که مأمور تحقیق هم باشد. بنابراین تعداد زیادی خیرچین داشته است. این استاد دانشگاه گفت که به نظر می‌رسد وی یک بیمار روانی است که سرحال ایستاده، اما نوع بیماری‌اش به گونه‌ای نیست که بتواند از جرم خود در مقابل قانون فرار کند.

- هشدار جدی**

تراژدی این جنایت‌های هولناک با دستگیری مرتضی و چند تن از برادرانش در حالی رقم خورد که مرتضی می‌گوید: اگر امروز هم بگویند تا چند ساعت دیگر اعدام می‌شود، پشیمان نیست، اما باید پرسید برای مرتضی‌هایی که شاید هم‌اینک پنج‌ساله هستند، چه باید کرد؟ نقش نهاد‌های فرهنگی و سایر متولیان و متصدیان امور در این تراژدی کجاست. قتل پدر مرتضی بهانه‌ای شد برای گشوده‌شدن زنجیره‌ای از قتل‌های زنجیره‌ای. اما آیا می‌توان تضمین کرد که دیگر مرتضایی این چنینی وجود ندارد؟